

### بین‌المللی‌سازی آموزش عالی: از سیاست‌گذاری تا اقدام

شاخص‌های مربوط به بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، به دلیل تأثیری که می‌تواند بر توسعه علم و فناوری کشورها داشته باشد، امروزه در مطالعات علم‌سنجی از جایگاه خاصی برخوردار شده است. از طرفی، بین‌المللی‌سازی آموزش عالی به دلیل مزیت‌های فراوان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و حتی سیاسی که نصیب کشورها می‌کند، در صدر برنامه‌های کشورها نیز قرار دارد؛ بطوری که بسیاری از کشورها برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ویژه‌ای را در این زمینه تدارک دیده و در دست اجرا دارند. در این میان، باید از کشور آمریکا نام برد که با افزایش رشد ۱/۵ درصدی تعداد دانشجویان خارجی، فقط در دوره سه ساله ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ توانسته بیش از ۴ میلیارد دلار نصیب اقتصاد کشور خود کند. همچنین باید به فرانسه اشاره کرد که اگرچه تا اوائل هزاره دوم دارای سیاست روشن و مشخصی در خصوص جذب دانشجویان بین‌المللی نبود، اما با تغییر سیاست‌های خود در این زمینه توانسته در سال ۲۰۱۷ حدود ۶ درصد از دانشجویان خارجی را جذب کند و در ادامه در سال ۲۰۱۹ با دوبرابر کردن سهم دانشجویان خارجی، برای اعطای بورس تحصیلی به تعداد ۱۵ هزار دانشجوی خارجی هدف‌گذاری کرده است. چنین رشدی در کشور آلمان نیز دیده می‌شود بطوری که در سال ۲۰۱۹، کشور آلمان تعداد دانشجویان خارجی در کشور خود را ۵ درصد افزایش داده است. به همین ترتیب، کشور ژاپن که همواره بخش‌های عمده‌ای از نیروهای کار خود را از میان دانشجویان خارجی تأمین می‌کند، با به اجرا در آوردن برنامه *Abeducation* برای رسیدن به هدف بلندمدت خود در این زمینه که جذب ۳۰۰ هزار دانشجوی خارجی تا سال ۲۰۲۰ است، تلاش می‌کند. این کشور در طی دوره سه ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ توانسته است نرخ رشد دانشجویان بین‌المللی را در مجموع حدود ۶۰ درصد و بصورت متوسط سالانه حدود ۱۲ درصد افزایش دهد. بعلاوه، کشورهای چین و کره جنوبی نیز اقدامات مؤثری را در این زمینه در دستور کار خود دارند. چین با پروژه ۹۸۵ و کره جنوبی با برنامه *Brain Korea 21* به روشنی در این زمینه هدف‌گذاری کرده و به خوبی توانسته‌اند مشارکت بخش اعظمی از اعضای هیئت علمی و دانشگاه‌های کشور خود را برای همکاری در این زمینه جلب کنند. البته سیاست‌های بین‌المللی‌سازی در آموزش عالی تنها به کشورهای اروپایی، آمریکایی و کشورهای شرق دور محدود نمی‌شود، بلکه حتی در کشورهای همسایه‌ای نظیر ترکیه و امارات متحده عربی نیز چنین سیاستی دیده می‌شود. در این میان، ترکیه که در اسناد بالادستی و چشم‌انداز علم و فناوری ایران به عنوان هدف اصلی مطرح است، در سالهای اخیر توانسته در زمینه جذب دانشجویان خارجی بسیار موفق عمل کند و با در اختیار گرفتن بیش از ۸ میلیون نفر دانشجوی خارجی که بیشترین تعداد پذیرش دانشجویی در یک کشور محسوب می‌شود، گوی سبقت را برآید و از این نظر خود را به صدر کشورهای جهان برساند. اهمیت این مقوله در بین کشورها باعث شده تا یونسکو نیز به این مقوله توجه ویژه‌ای نشان دهد و این سازمان بین‌المللی را وادار کند تا کار تهیه شاخص‌های جدید بین‌المللی‌سازی آموزش عالی را کلید بزند و به این ترتیب، امکان سنجش و ارزیابی استاندارد سطح بین‌المللی‌سازی آموزش عالی کشورها را فراهم سازد. با استفاده از این شاخص‌ها، امکان بیشتری برای ارزیابی تطبیقی استاندارد در اختیار متخصصان علم‌سنجی قرار خواهد گرفت.

با وجود این، اگر از شواهد بین‌المللی عبور کرده و به ایران بازگردیم، باید اشاره کنیم که در ایران نیز در سطح اسناد بالادستی که در واقع سطح سیاست‌گذاری و تا حدی نیز در سطح برنامه‌های محسوب می‌شود، شواهد متعددی وجود دارد که همگی حکایت از توجه کشور به مقوله بین‌المللی‌سازی آموزش عالی بوده است. به عنوان مثال، در نقشه جامع علمی کشور شواهد متعددی وجود دارد که همگی نشان از توجه ویژه طراحان، تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان نقشه به این مقوله دارد. در همان فصل اول نقشه جامع علمی کشور که به معرفی «ویژگی‌های اصلی الگوی نظام علم، فناوری و نوآوری» می‌پردازد، برون‌مداری و ایجاد مشارکت فعال با جهان اسلام و سایر کشورها به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی نظام علم، فناوری و نوآوری ایران برشمرده شده است. همچنین، «گسترش همکاری در حوزه‌های علوم و فناوری با مراکز علمی معتبر بین‌المللی»، به عنوان یکی از «اهداف کلان هشتگانه نظام علم و فناوری کشور»، در فصل دوم نقشه جامع علمی کشور معرفی شده است. علاوه بر این، در «کمیت‌های اهم مطلوب شاخص‌های کلان علم و فناوری کشور» در فصل دوم نقشه، برای «مشارکت بین‌المللی» جایگاه ویژه‌ای تدارک دیده شده و شاخص‌های متعددی برای آن در نظر گرفته شده که بازهم نشان از اهمیت جایگاه بین‌المللی شدن آموزش عالی کشور در نقشه دارد. در میان شاخص‌های این بخش، از مواردی همچون «همکاری‌های علمی در انتشار مقالات و پژوهش‌های مشارکتی بین‌المللی» گرفته تا شاخص‌هایی همچون «تعداد مقاله‌های بسیار پر استناد»، «تعداد حوزه‌های جدید التأسيس کشور نخستین بار در دنیا»، «تعداد دانشمندان برجسته و مؤثر در مدیریت مجامع بین‌المللی»، «تعداد سخنرانان مدعو و اعضای کمیته‌های علمی و راهبری همایش‌های معتبر بین‌المللی»، «میزان جذب متخصصان و دانشجویان دیگر کشورها» و مانند آن به چشم می‌خورد. علاوه بر این، برای به بار نشستن این اهداف و برنامه‌ها، در فصل چهارم نقشه راهبردها و اقدامات ملی مؤثری نیز در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال، راهبرد کلان ۹ مندرج در فصل چهارم نقشه، بطور خاص به «تعامل فعال و اثرگذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام» اشاره دارد. در زیر این راهبرد کلان، اقدامات ملی متعددی همچون «ایجاد شبکه‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور برای انتشار و تبادل دانش و فناوری متناسب با اولویت‌های ملی و بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی»، «افزایش پذیرش دانشجویان خارجی به منظور گسترش زبان فارسی و بسترسازی مرجعیت علمی کشور با اولویت کشورهای اسلامی و منطقه»، «اصلاح و تحول در روشهای آموزش زبان، به‌ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع مختلف»، «ایجاد سازوکارهای حمایتی، اعطای بورسهای تحصیلی، فرصت‌های مطالعاتی و پژوهانه برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها و حضور آنها در مجامع و شبکه‌های علمی بین‌المللی»، «تقویت و توسعه همکاری الهام‌بخش و اثرگذار با دانشگاه‌های کشورهای جهان اسلام و بهره‌برداری از ظرفیت دانشگاه‌های کشورهای پیشرو در علم و فناوری از طریق تبادل استاد و دانشجو و اجرای دوره‌های آموزشی مشترک در رشته‌های اولویت‌دار» و مانند آن در نظر گرفته شده است.

روشن است که تمامی شواهد ارائه شده، حکایت از اهمیت شاخص‌های مربوط به بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در جهان و همچنین در برنامه‌های کلان ایران دارد. اما سؤال اینجاست که سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پیش‌بینی شده نقشه در این زمینه تا چه میزان به ثمر نشسته است؟ به بیانی دیگر، کشور تا چه میزان توانسته است به این برنامه‌های کلان پیش‌بینی شده در نقشه، جامعه عمل پوشاند؟ سهم دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های کشور به چه میزان است؟ سهم مشارکت اساتید و دانشجویان کشور در برنامه‌های بین‌المللی نظیر فرصت‌های مطالعاتی، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک، شرکت کنفرانسهای علمی، حضور در کمیته‌های علمی و راهبری کنگره‌های معتبر بین‌المللی به چه میزان بوده است؟ در شرایطی که ترکیه به عنوان کشور همسایه و مسلمان و که به عنوان یکی از اهداف در اسناد بالادستی کشور مطرح شده، برنامه‌ها و اقدامات منسجم و مؤثری را برای بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در پیش گرفته و توانسته در رقابت از کشورهای پیشرو نیز در این زمینه پیشی بگیرد، اقدامات کشورمان برای نیل به اهداف تعیین شده در نقشه جامع علمی کشور چگونه بوده است؟ و اساساً آیا رصدی در این زمینه در کشورمان صورت گرفته یا صورت می‌گیرد؟

و برای انجام این رصد، تا چه میزان برنامه‌ریزی شده و تا چه میزان از توان دانش‌آموختگان علم‌سنجی در این زمینه بهره‌برداری شده است؟

واقعیت این است که رصد، پایش و ارزیابی تطبیقی و تحلیلی عملکرد علم و فناوری کشور و انطباق آن با پیش‌بینی‌های انجام شده در اسناد بالادستی و مواردی از این دست، جزو ضرورت‌های بنیادین پیاده‌سازی نقشه محسوب می‌شوند و اجرای صحیح و نظام‌مند این فرایند، پیش از هر چیز مستلزم جلب مشارکت و بهره‌مندی شایسته از دانش‌آموختگان و متخصصان علم‌سنجی در این عرصه است.

**عبدالرضا نوروزی چاکلی**

**سر دبیر دوفصلنامه پژوهشنامه علم‌سنجی**